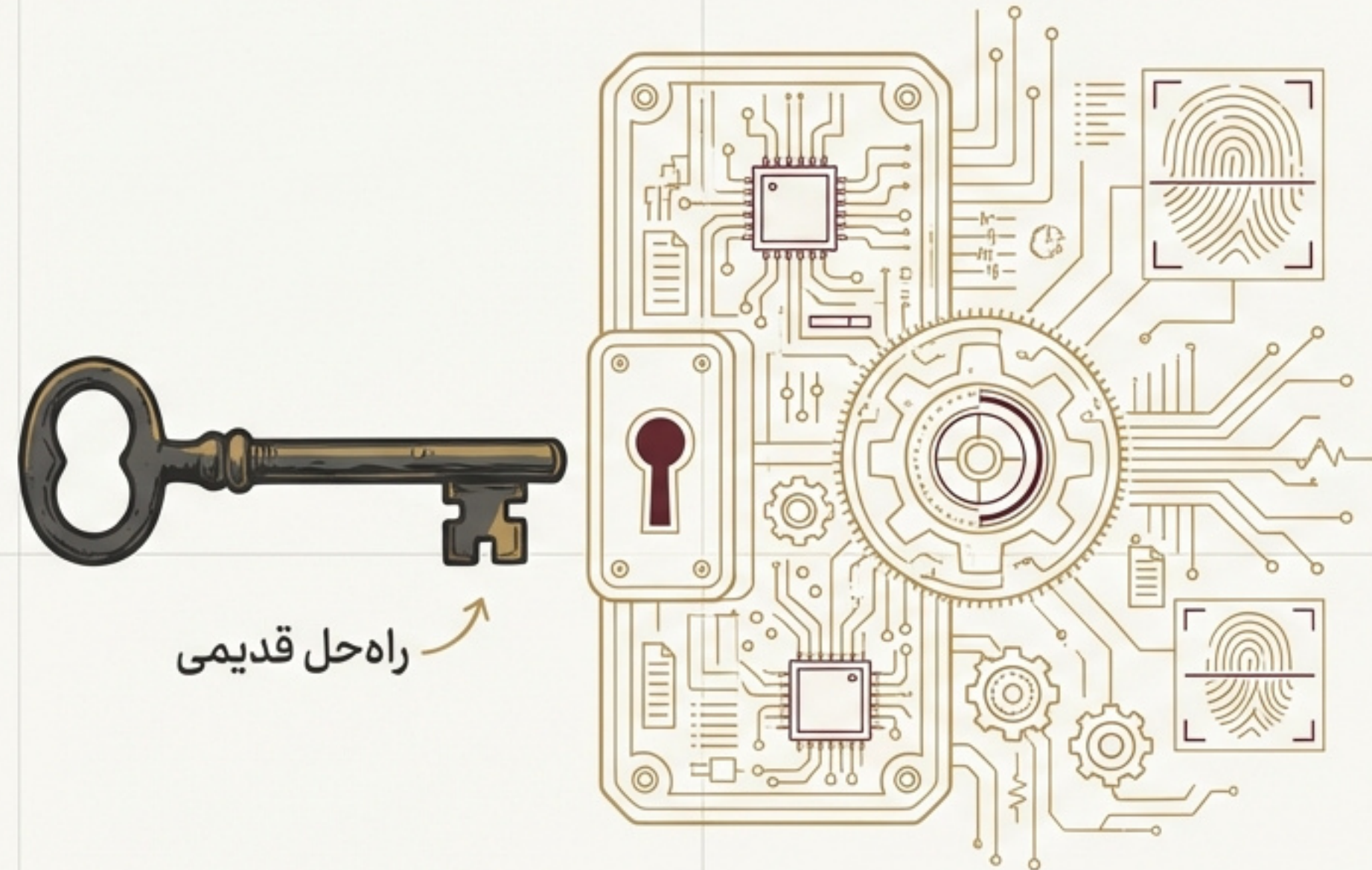


بسم پر الرحمن الرحیم



راه حل قدیمی

نظام مسائل رایج تربیتی: چرا راه حل های ما به نتیجه نمی رسد؟

برداشتی از سخنرانی استاد شمسینی

نقطه شروع ما معمولاً «تعلیم و تربیت» است: رابطه‌ی فردی میان معلم و دانش‌آموز.

- ذهنیت رایج، آموزش و پرورش را در مقیاس خرد و تعامل مستقیم می‌بیند.
- تمرکز ما بر روش‌های تدریس، مدیریت کلاس، و رشد فردی دانش‌آموزان است.
- در این نگاه، «معلم خوب» کسی است که به صورت فردی بر دانش‌آموزانش تأثیر مثبت می‌گذارد.

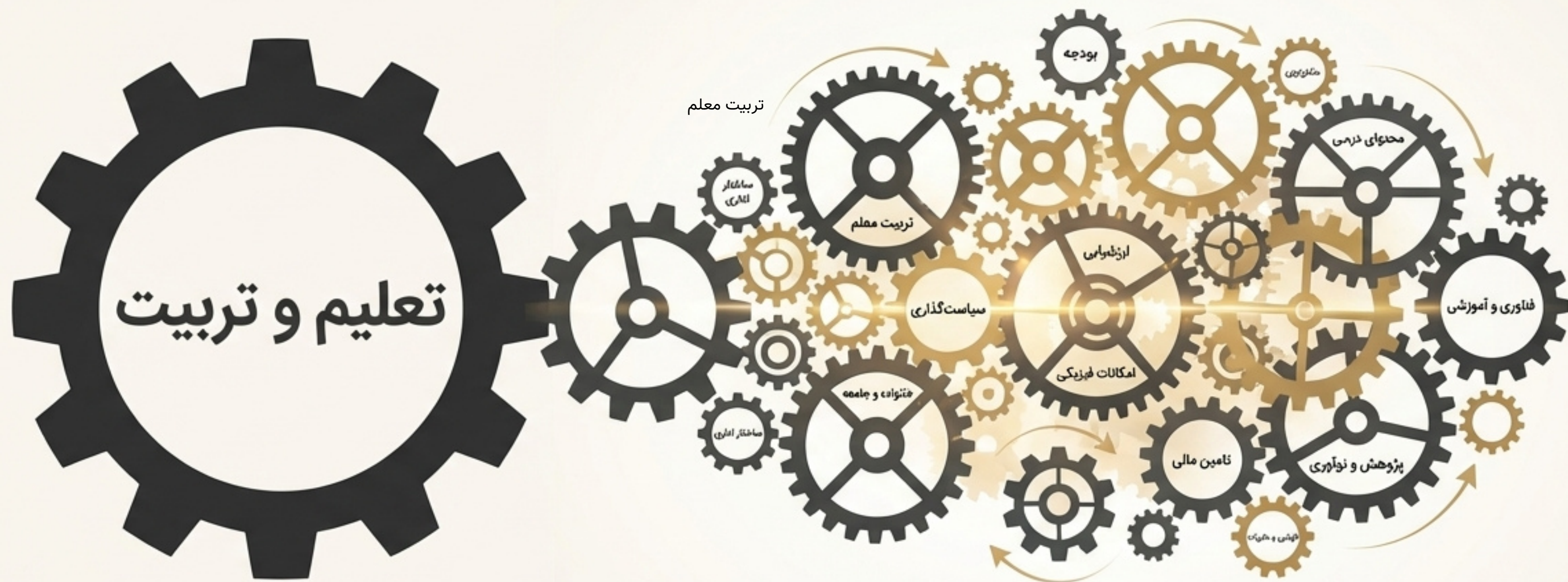


اما این نگاه خُرد، دیگر برای پاسخگویی به چالش‌های عظیم امروز کافی نیست.

- مسائل دانش‌آموزان امروز ریشه در ساختارهای بزرگ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد.
- تمرکز صرف بر رابطه معلم و دانش‌آموز، ما را از دیدن نیروهای بزرگ‌تری که بر کلاس درس حاکم است، غافل می‌کند.



مسئله‌ی اصلی، «تعلیم و تربیت» نیست؛ بلکه «نظام تعلیم و تربیت» است.



- ما با مجموعه‌ای از روابط فردی روبرو نیستیم؛ ما درون یک ساختار عظیم، پیچیده و به هم پیوسته عمل می‌کنیم.
- این «نظام» قواعد، منطق و پویایی خاص خود را دارد که فراتر از کنش‌های فردی ماست.

تفاوت این دو نگاه، مانند تفاوت «بازار» و «جامعه بازاری» است.



بازار (معادل تعلیم و تربیت)

- یک مفهوم تاریخی و محدود
- مبتنی بر داد و ستد و نیاز فردی
- کنش‌های ساده و مستقیم



جامعه بازاری (معادل نظام تعلیم و تربیت)

- یک پارادایم مدرن و فراگیر
- مبتنی بر یک سیستم پیچیده (صنعت، تولید انبوه، مد، مصرف‌گرایی)
- منطق حاکم بر کل جامعه را تغییر می‌دهد

نیروی اول: مدرنیته، مقیاس‌ها را دگرگون کرد و «نهادهای» عظیم را جایگزین روابط فردی نمود.

- دنیای مدرن با مفاهیمی چون دولت-ملت، تفکیک قوا، و سازمان‌های جهانی، ساختارهای جدیدی را حاکم کرد.
- آموزش از یک امر فردی در «مکتب‌خانه» به یک نیاز عمومی برای ساماندهی ۱۶ میلیون دانش‌آموز تبدیل شد.
- دیگر نمی‌توان با مدل‌های فردی دیروز، نیازهای یک جامعه میلیونی را پاسخ داد.



دوران سنتی



دوران مدرن

نیروی دوم: انقلاب اسلامی، یک ادعای «نظام‌سازی» است، نه صرفاً تربیت فردی.

- انقلاب اسلامی به دنبال تحقق اسلام در سطح فردی نبود؛ بلکه هدف آن پیاده‌سازی «الگوی حکمرانی» اسلام بود.

- حکومت برای اداره جامعه به بازوهای قدرتمند در اقتصاد، سلامت، امنیت و «تربیت» نیاز دارد.

- این ادعا، ما را ملزم می‌کند که به جای کارهای جزیره‌ای، به ساختن و اصلاح «نظام تربیتی» فکر کنیم.



پس فعالیت ما باید «درون ساختار» و برای «تقویت حاکمیت» تعریف شود، نه در تقابل با آن.

- تلاش برای ساختن الگوهای خرد و جزیره‌ای خارج از نظام رسمی، تکرار مدل‌های دوران قبل از انقلاب است.
- الگوی موفق، الگویی است که «قابلیت تکثیر» در کل سیستم را داشته باشد، نه مدلی که برای عده‌ای خاص و در شرایط گلخانه‌ای طراحی شده است.
- تحول واقعی از دل خود ساختار و با اصلاح آن ممکن می‌شود.



بزرگ‌ترین خطای تشخیصی ما: اشتباه گرفتن «مشکل» با «مسئله».



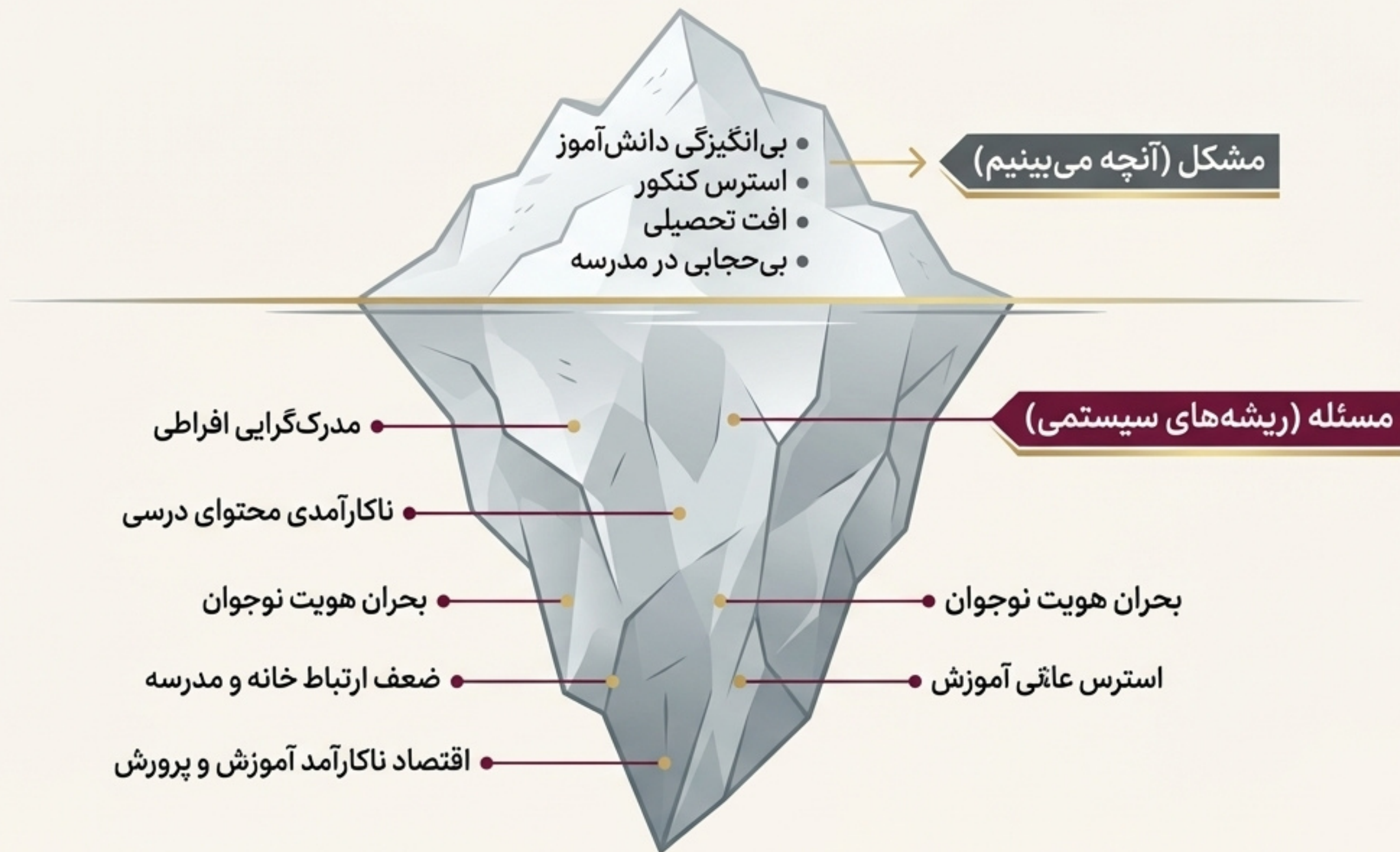
مشکل (Problem/Symptom)

- آن چیزی است که به **سادگی دیده** می‌شود و در سطح قرار دارد.
- پدیده‌ای جزئی و قابل مشاهده است.

مسئله (Issue/Root Cause)

- **ریشه‌های عمیق و سیستمی** یک پدیده است.
- با پرسش‌های مکرر از چرایی «مشکل» به «مسئله» می‌رسیم.

کوه یخ مسائل تربیتی



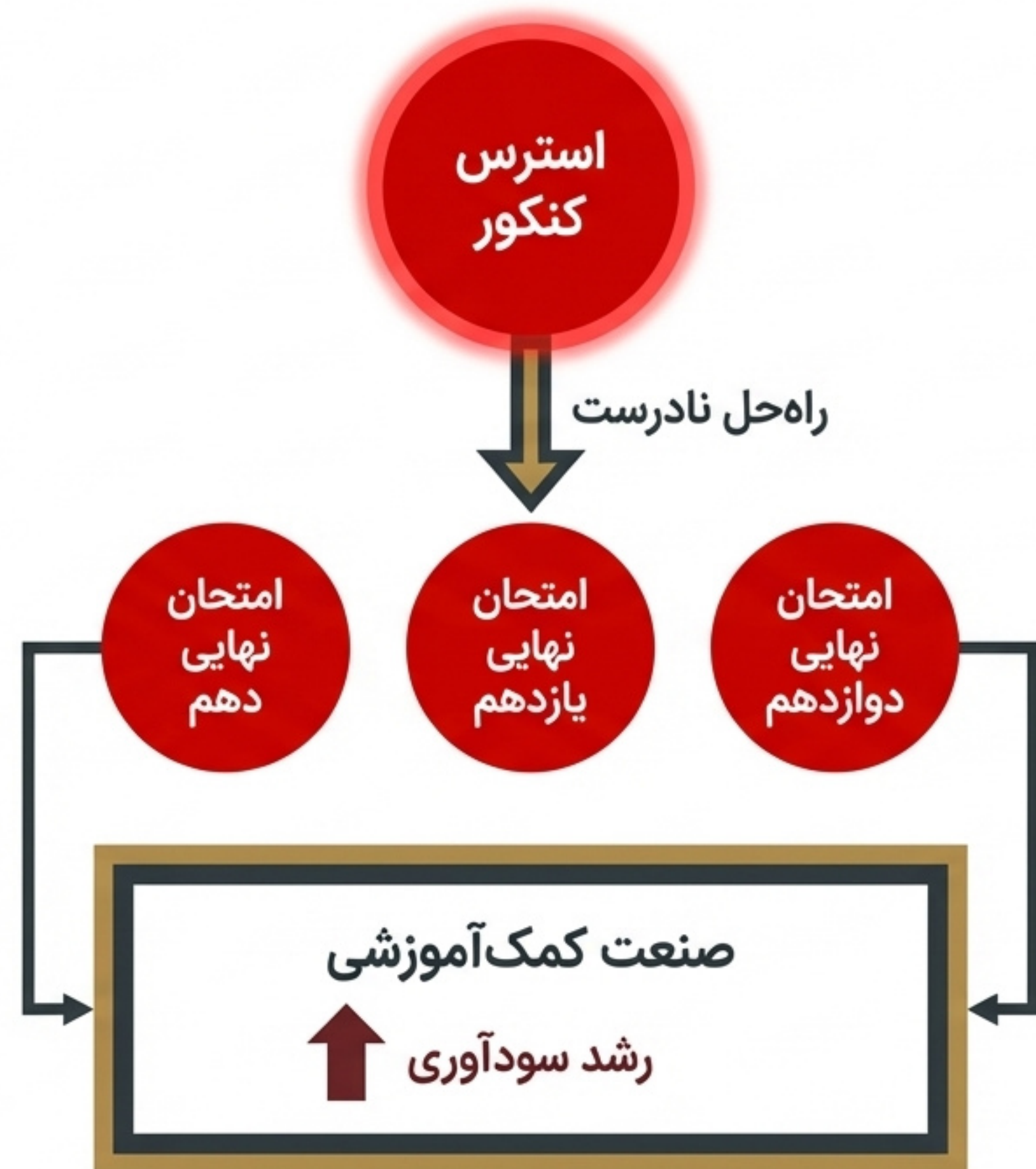
مطالعه موردی: چگونه تلاش برای حل مشکل «کنکور»، «مسئله» مدرک‌گرایی را تکثیر کرد؟

هدف: کاهش استرس یک‌باره کنکور.

راه‌حل (متمرکز بر مشکل): توزیع تأثیر کنکور در امتحانات
نهایی سه سال دبیرستان.

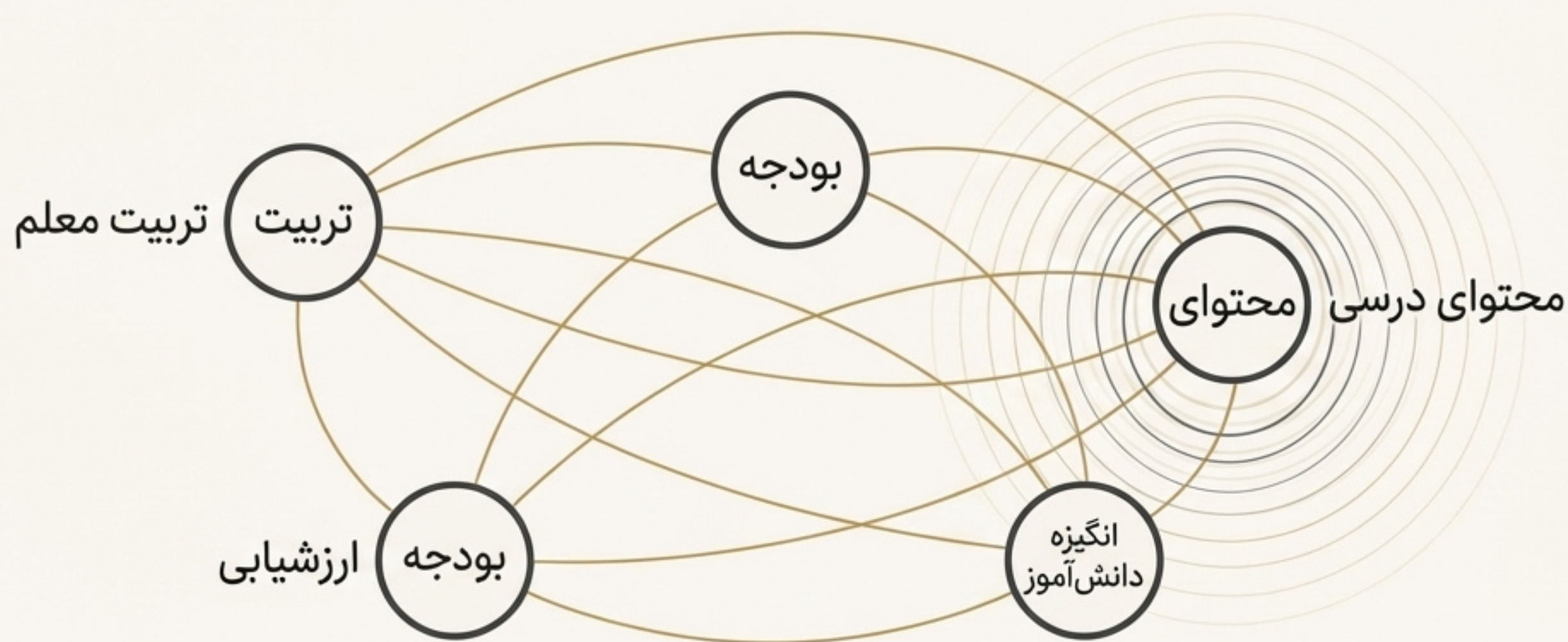
نتیجه واقعی:

- استرس یک‌شبه به استرس سه‌ساله تبدیل شد.
- مافیای کنکور، بازار خود را به پایه‌های دهم و یازدهم
گسترش داد.
- «مسئله» اصلی یعنی **مدرک‌گرایی**، نه تنها حل نشد، بلکه
در کل نظام آموزشی عمیق‌تر و گسترده‌تر شد.



قانون طلایی: نگاه ما باید «نظام‌مند» باشد؛ مسائل آموزشی یک زنجیره‌ی به هم پیوسته هستند

- هیچ مسئله‌ای در نظام آموزشی به صورت ایزوله وجود ندارد.
- هر تصمیم، حتی اگر کوچک به نظر برسد، در کل پیکره سیستم موج ایجاد می‌کند.
- مثال: افزودن یک پایه به دوره ابتدایی، بر نیروی انسانی، فضا، بودجه، محتوای درسی و ساختار کل نظام تأثیر می‌گذارد.



اولین گام برای حل مسئله: «فهم عمیق و جامعه‌شناسانه‌ی مسئله».

نگاه روانشناسانه



به جای پرسیدن: «چگونه انگیزه این دانش‌آموز را افزایش دهیم؟»

نگاه جامعه‌شناسانه



باید پرسیم: «چه ساختارهایی در جامعه و مدرسه، به صورت نظام‌مند در حال تولید بی‌انگیزگی هستند؟»

- عبور از تحلیل‌های عوامانه و ساده‌انگارانه، نیازمند مطالعه دقیق و نخبگانی مسائل است.



ما فقط معلم یا مدیر نیستیم؛ ما معماران و مهندسان یک «نظام» هستیم.

- هر کنش ما، چه در کلاس درس و چه در دفتر مدرسه، در حال شکل‌دهی به این ساختار بزرگ است.
- با پذیرش این نقش، نگاهمان از رفع مشکلات روزمره به طراحی و اصلاح بلندمدت سیستم تغییر می‌کند.
- مسئولیت ما، ساختن نظامی است که انسان تراز انقلاب اسلامی را تربیت کند.

تحول، از تغییر نگاه ما آغاز می‌شود.
